

نگاه

ونگر به او خوشبین است

وداع باکول با بهترین آرزوها

کوبین مک کارا

ترجمه: **سپید نوری پناه**

با وجود اینکه احتمال می رود کتاب زندگینامه اشلی کول، با آن خاطرات تلخ و شیرینش، بازتابنده یادنامه‌ها و جنجال‌های ریز و درشت و گهگاه غیردوستانه و دردسرساز باشد، اما موضع آرسن ونگر نسبت به مدافع سابق تیمش دوستانه و ملایمت آمیز می نماید. ونگر، حتی به‌زعم خویش، عقیده دارد عاقبت روزی، مدافع هجرت کرده تیمش با خاطراتی شیرین و به‌یادماندنی از آرسنال و آرسن ونگر یاد خواهدکرد.

بی تردید تفاوتی آشکار و عمیق میان آنچه که برای ویلیام گالاس – بازیکنی که آرسنال آن را با ۵ میلیون پوند به شرط هجرت کول به چلسی از این تیم ربود – روی داد با داستانی که اشلی کول در آرسنال نقش نخست آن را ایفا کرد، جلب نظر می کند. چلسی مدعی بود ویلیام گالاس با کلماتی بی پروا، قهرمان دوساله انگلستان را تهدید کرد که اگر او را مجبور کنند که این فصل برای چلسی به میدان برود، تعمداً به تیم خودی گل خواهد زد. هرچند چنین اتهامی از سوی ویلیام گالاس بی پایه و مضحک تلقی شد. اما چنین عداوت‌هایی از این جنس و تا این اندازه عمیق در آرسنال روی نداد. ونگر می گوید: «او دیگر علاقه‌ای به ماندن در این تیم نداشت. میل داشت که هجرت کند. می‌خواست چالش‌ی جدید را برای خود برگزیند. به او قول دادم که اجازه‌خواهم داد باشگاه را ترک کند و به چلسی برود. حتی اگر چلسی به ما پیشنهاد می‌داد که در ازای خرید کول، ویلیام گالاس را به آرسنال واگذار نمی‌کنیم، من با این حال باز هم اجازه می‌дам تا او به آرسنال برود.»

آرسن ونگر حتی برای اینکه اشلی کول از حضور در لیگ قهرمانان اروپا به همراه چلسی محروم نشود، از او برای حضور در بازی‌های مقدماتی این پیکارها دعوت نکرد. «باید در نظر بگیرید که اگر چنین انتقالی، رنگ و بوی واقعیت به خود نمی‌یافت، بی‌تردید اکنون اشلی هنوز بازیکن آرسنال محسوب می‌شد.»

ونگر می افزاید: «من برای او بهترین آرزوها را دارم. امیدوارم در چلسی نیز روزهای پرفروغی را که در اینجا تجربه کرد تکرار کند. ما به او کمک کردیم که بدل به یک مدافع کناری بی‌نظیر و در حد کلاس جهانی شود. از اینکه چنین نقشی را در پرورش و بالندگی او ایفا کردیم، خرسندیم. او در شرایطی قرار داشت که به شدت نیاز به فضا و محیطی جدید را احساس می‌کرد. ما نیز مانع آن نشدیم. آیا او مقصر بود؟ ما مقصر بودیم؟ و یا آن کسی که واسطه‌گر چنین انتقالی بود؟ یا مدیر برنامه هایش؟ خب این چیزها دیگر برای من اهمیتی ندارد.» این نخستین مرتبه‌ای بود که آرسن ونگر فوتبالیستی در حد کلاس جهانی را که در تیمش نقش کلیدی ایفا می‌کرد، به باشگاهی واگذار کرد که یکی از رقیبان همیشگی و جدی آنها در لیگ برتر است.

بله نیکولا آتلکای جوان، شرور و با طراوت روزگاری، در شرایطی که در هایبوری آقایی می‌کرد، به مادرید فروخته شد. اما پس از آن انتقال او هیچ‌گاه آن روزهای پرفروغ هایبوری را تکرار نساخت. اما اشلی کول، اکنون در سن ۲۵سالگی، به بهترین عصر فوتبال‌اش نزدیک می‌شود. او از این هم بهتر خواهد شد. «اینها سخنان ونگر است که حتی به رویکرد اشلی کول، که عقیده داشت برای چنگ زدن به جام‌ها و افتخارات اغواکننده‌تر راهی استنفورد بریج خواهد شد، با دیدگاهی منفی نمی‌نگرد. او یک پرنده بالفطره است. کسی که همواره در تکاپوی پیروز شدن و فاتح شدن است. هیچ‌گاه دوست ندارد با ناامیدی و یأس، زمین مسابقه را ترک کند. بی‌تردید وقتی او چلسی را برمی‌گزیند برای باختن و مغلوب شدن نمی‌رود. او آنجا را انتخاب کرد، چون می‌خواهد به موفقیت برسد. این را نباید از یاد برد. ما فوتبالیستی را از دست دادیم که برای موفقیت درصد یافتن محیطی دیگر بود و نیز از طرفی، فوتبالیستی را از آن خود ساختم که می‌خواهد اینجا به موفقیت دست یابد.»

ونگر از اینکه ویلیام گالاس را در آرسنال می‌بیند، حیرت زده است. می‌گوید: «هیچ‌گاه به این نمی‌اندیشیدم که فوتبالیستی بسان گالاس از چلسی نزد ما بیاید. گمان می‌کردم که او به میلان خواهد رفت. به این خاطر که رابطه ما مدت‌ها است که با چلسی سرد و خصمانه است.»

نخستین بزرگ و صاحب سبک فرانسوی از اظهارات جدید مسئولان چلسی درخصوص ویلیام گالاس به شدت شگفت زده شده است. ونگر با کلامی قاطع، نظرات آنها را تکذیب می‌کند. «او همیشه در برابر ما یک سد رسوخ‌ناپذیر بود. کسی که با تمام انگیزه و قدرت در برابر آرسنال تلاش می‌شد. هر میلان دقیق‌تر و برایمان سخت و طاقت فرسا می‌ساخت.» ونگر ادامه می‌دهد: «آنچه که منطقی و عقلانی می‌نماید، این است که برای قصاصات در مورد توانایی‌های یک فوتبالیست باید به عملکردشان رجوع کنید و بس.»

صید ویلیام گالاس در راستای تزییق خونی جدید در کالبد آرسنال تحقق یافت. آرسنال به شانس به خدمت‌گیری کارلوس تـوز پشت کرد، چرا که اینگونه می‌انگاشت که سبک و سیاق بازی این آرژانتینی شباهت بسیاری به شیوه حرکتی تنو ولکات در زمین مسابقه دارد. اما خولیو باپتیستا را می‌توان خرید مهمی قلمداد کرد. رئیس نیز به مادرید رفت، چرا که دیگر تحمل آب و هوا و سختی زبان برایش سرگیجه‌آور شده بود. او ونگر با جمله‌ای که نکته‌ها از آن می‌بارد چنین می‌گوید: «با اینکه در طول ۱۰ سال اخیر فوتبالیست‌ها نفوذ و تسلط زیادی بر جریانات حاکم دارند، اما ما ثبات و کالبد مجموعه مان را از دست ندادیم، چون‌که بازیکنان از حضور در اینجا رضاده دارند.»

منبع: Guardian

فقط به خاطر ۵ هزار پوند بیشتراشلی کول:این پیراهن به من می‌آید

مت دیکنسون

ترجمه: **وصال روحانی**

«خیانت، حرص، دروغ، ریا». اینها بیشتر به اجزای تشکیل دهنده سریال‌های مسطخی تلویزیونی می‌خورد و هر چه باشد، اشلی کول «شماره ۳» جدید چلسی می‌گوید هیچ‌یک از این خصلت‌ها در او وجود نداشته است. با این حال خود او نیز معترف است که زندگی او طی یک سال اخیر به طرز غریبی پرحادثه بوده است. ارائه درخواست انتقال به آرسنال، رسیدن به فینال فوتبال جام قهرمانان باشگاه‌های اروپا، شکست در جام جهانی، عروسی با یک هنرمند پاپ و در نهایت انجام انتقال دلخواهش (به استنفورد بریج).

بنابراین از کول نرسید که این بهترین سال عمرش بوده یا بدترین آنها چون خودش هم نمی‌داند. او فقط این را می‌داند که وقتی اولین روز از دالان ورودی ورزشگاه استنفورد بریج عبور کرد و ژوزه مورینیو سرمربی و رومن آبراموویچ صاحب بیش از حد پولدار چلسی را در انتظار خود دید، متوجه شد که مسائل امنیتی در آنجا از فرودگاه هیت‌رو هم جدی‌تر و وسیع‌تر است و تعدادی پلیس مسلح و ماموران امنیتی محیط را زیر نظر دارند. آنجا پیراهن شماره ۳ باشگاه را که در انگلیس مختص مدافع چپ ثابت است، به او دادند. تکلیف وین بریج چه می‌شود؟ این را هم کسی نمی‌داند، اما نزدیکان کول می‌دانند که بیشتر هم یک پیراهن چلسی در خانه این بازیکن ۲۵ساله چپ با وجود داشته و آن، پیراهنی بود که در پایان مسابقه فصل پیش چلسی با آرسنال جو کول مهاجم چلسی به رسم معمول مسابقات فوتبال به وی هدیه کرد.

اشلی کول که هیچ نسبت فامیلی با جو کول ندارد و حالا همبازی اوست، از بچگی در هایبری بوده است و پس از ۱۵ سال قمرمز پویندن، پیراهن آبی چلسی را بسر تن کرده است. «نمی‌دانم، برای خودم نیز بغرنج است. فکر می‌کنم هیچ وقت این اتفاق نیفتد. تا سه چهار روز قبل از انتقال هم حس می‌کردم که باید شال و کلاه کنم و به امارات (ورزشگاه جدید آرسنال) بروم و آنجا کلی متسلک بخورم، ولی یک دفعه اوضاع عوض شد. پیراهن جدیدم را امتحان کردم و دیدم به من می‌آید و در آن احساس راحتی می‌کنم.»

اولین و جدی‌ترین باور کول این است که با چلسی می‌تواند افتخارات و جام‌های بیشتری را ببرد و چنین چیزی در جمع شاگردان آرسن ونگر برای او امکان‌پذیر نبوده است. با این که توپچی‌ها فصل پیش به فینال جام قهرمانان قاره رسیدند و فقط با اختلاف یک گل به بارسلونا باختند، کول همیشه مدعی بوده که این تیم هیچ‌گاه خودش را به اندازه کافی تقویت نکرده است. با این حال او مسائلی شخصی می‌کرد و آرسنال داشت و بیش از آن که بتواند کسی را متهم کند، انگشت اتهام به سمت خودش گرفته شده است.

ماجرا از وقتی شروع شد که او پتر کتینو را در یک رستوران در لندن ملاقات کرد. آن قضیه ۲۰ ماه پیش اتفاق افتاد و در یکی از احمقانه‌ترین توضیحات ممکن چلسی مدعی شد که دیدار مدیر اجرایی‌اش با کول صرفاً تصادفی بوده و آنها آمده بودند که غذا بخورند و یک دفعه همدیگر را دیدند! از همان موقع مشخص شد که دو طرف به طور جدی مایل به همکاری‌اند و برچسب خیانتکار از همان جا بر روی پشانی کول خورد و چسبید و هر روز محکم‌تر شد. با این‌که فقط ۱۰ روز از انتقال کول به چلسی می‌گذرد. از حالا کتاب او تحت عنوان «اشلی کول؛ دفاعیه من» روانه بازار شده تا بگوید که چرا از آرسنال رفت، اما اگر تصور کرده‌اید که او در این کتاب به شدت به یاران سابقش تاخته و آنها را خوار و خفیف کرده، اشتباه بزرگی کرده‌اید. او فقط ماجرا را آن طور که خودش دیده و به سامان رسانده، برای خواننده‌های کتاب شرح داده است.

■

او **کجا، بکام کجا؟** اما «تضاد» واژه‌ای است که هم در این کتاب به چشم می‌خورد و هم برای توصیف کاراکتر کول مناسب‌تر دارد. او در ۲۵سالگی ۵۴بازی ملی انجام داده، اما کمترین شهرت و بنیه تبلیغاتی و کسب درآمد را در میان ستاره‌های تیم ملی انگلیس دارد و هر جور هم که به قضیه نگاه کنید، او را یک سوپرستار نمی‌یابید. خودش می‌گوید جان کنده، اما هیچ کس متوجهش نبوده، زیرا



علاقه‌مندی او به چلسی، فصل پیش که برای مسابقه آرسنال – چلسی به استنفورد بریج رفت، طرفداران تیم

مورینیو حسایی برای او کف زدند. چه وسیله بهانه‌ای بهتر از این برای هواداران آرسنال تا یقین بیاورند که او واقعاً خائن است؟ توپچی‌ها حالا واقعاً از وی بدشان می‌آمد. حتی در مورد زندگی خصوصی کول نیز طی ۶۰۵ ماه گذشته اخبار بدی پخش می‌شد و به نظر می‌رسید کسانی آن را دامن می‌زنند که از انتقال قرب الوقع او به اردوی دشمن (چلسی) ناراحت‌اند. با این حال نشریاتی که آن اخبار منفی را درباره وی درج کرده بودند مجبور شدند غرامت بپردازند. مدتی پس از خوابیدن غائله و مشخص شدن این‌که زندگی خصوصی کول آنقدرها هم بی‌نظم نبوده است، کول می‌گوید: «واقعاً حرف‌های چرت و پرتی می‌زدند و شاید عجیب‌ترین ادعاهایی که طی عمرم شنیده‌ام. واقعاً حالم به هم خورد.

به این خاطر بود که شکایت کردم و کار را به دادگاه کشاندم. الان که فکر می‌کنم می‌بینم خنده‌دار است اما آن موقع اصلاً به نظر خنده‌دار نمی‌آمد. دیدم ماجرا دارد روی کل خانواده‌ام اثر منفی می‌گذارد. از خودم پرسیدم آیا ممکن است چیزی بدتر از این را در مورد من بنویسند؟»

آنها ننوشتند، زیرا فرصت آن را نیافتند. در عوض کول این فرصت را پیدا کرده که در کتابش جواب اتهامات وارده به خود را بدهد.

اشلی کول در این کتاب جواب خیلی‌ها را داده، اما به سمت آرسن ونگر نرفته است. فقط احترام مربی فرانسوی آرسنال برای او ضروری بوده است. به خصوص که کول به درست یا غلط معتقد است مربی سابق موناکو همیشه حامی او بوده است. کول نوشته است: «در جلسه هیات مدیره آرسنال ونگر به اعضای هیات گفته بود که فقط به خاطر ۴، ۵ هزار پوند حقوق اضافی در هر هفته و چیزهایی از این دست نباید من را از دست بدهند. او اصرار کرده بود که من بمانم. بعضی‌های دیگر چنین اصراری نداشتند. من صداقت وی را حس می‌کردم.»

■

امروز که ویلیام گالاس با کول معاوضه شود و با طی کردن راهی بر عکس از چلسی به آرسنال رفته، پول هفتگی که او از تیم پیتیر هیل وود و ونگر می‌گیرد ۲۰ هزار پوند بیشتر از حداکثر پولی است که کول در زمان اقامتش در آرسنال طلب می‌کرد. کول می‌گوید: «همین حالا هم می‌گویند که من فقط به خاطر پنج هزار پوند پول هفتگی بیشتر که چلسی به من می‌دهد، به آنجا رفتم‌ام. چرا نروم؟ صحبت پنج هزار پوند نیست، بلکه صحبت این است که آنها (چلسی) ارزش بیشتری

کتم تا در خیابان‌ها کسی مرا را نشناسد، برعکس با سری افراشته راه خواهم رفت و با صدای بلند هم خواهم گفت که من همان اشلی کول هستم که از آرسنال به چلسی رفتم. اصرار ندارم که آرسنالی‌ها هنوز مرا دوست داشته باشند و کافی است که احساس و کار مرا درک کنند، همین.»
منبع: Times

حاشیه

اسکوربود

لیگ برتر، هفته چهارم: چلسی ۲– چارلتون ۱، گل‌ها: دروگبا (۵) و کاروالیو (۶۲) برای چلسی، هسلبک (۵۳) برای چارلتون.

منچستریونایتد ۱– تانتهام صفر. گل: گیگر (۸) آرسنال ۱– میدلزپورو ۱، گل‌ها: آتری (۶۶ پناثی) برای آرسنال، موریسون (۲۱) برای میدلزپورو اورتون ۳– لیورپول صفر، گل‌ها: تیم کاهیل (۲۳) و اندی جانسون (۳۵ و ۹۰) برای اورتون نیوکاسل ۱– فولام ۲، گل‌ها: پارکر (۵۳) برای نیوکاسل، برایان مک‌براید (۸۱) و بوکانگر (۸۸) برای فولام بولتون ۱– واتفورد صفر، گل: گری اسپید (۹۰ پناثی) پورتمسوت ۱– ویکان صفر، شفیلدیونایتد صفر– بلکبرن صفر

رده‌بندی: ۱– منچستریونایتد ۴بازی ۱۲ امتیاز، ۲– پورتمسوت ۴بازی ۱۰ امتیاز، ۳–اورتون ۴بازی ۱۰ امتیاز، ۴– چلسی ۴بازی ۹ امتیاز، ۵– آستون ویلا ۳بازی ۷ امتیاز، ۶– بولتون ۴بازی ۷ امتیاز

رده‌بندی تیم‌هابدون در نظر گرفتن نتایج بازی‌های دیروز تنظیم شده است.

سری A، هفته اول: فیورنتینا ۲–ایتر ۳–گل‌ها: لوکاتونی (۶۸ و ۷۹) برای فیورنتینا، کامپباسو (۱۱ و ۴۲) و ابراهیموویچ (۶۱) برای ایتر

ر م – لیورنو صفر، گل‌ها: دروسی (۴۵) و مانسینی (۵۴) برای رم

سری B، هفته اول: ریمینی ۱– یونتوس ۱، گل‌ها: دومینیکو کریستیانو (۶۹) برای ریمینی، متو پارو (۶۰) برای یونتوس

لالیگا، هفته دوم: بارسلونا ۳– اوساسونا صفر، گل‌ها: اتوئو (۱ و ۲۷) و منسی (۳۷) برای بارسلونا آتلتیکو مادرید صفر– والنسیا ۱، گل داوید ویا (۷) برای والنسیا

لوشامپیونا، هفته پنجم: اوسر ۲– موناکو ۱، بوردو ۳– نیس ۲، لومان ۱– لوریان ۱، لانس ۳– والنسین صفر، نانت-۱ لیل ۱، ن – سوشو، ۱ سدان ۲– سن-اتین ۲، لیون-۲ تراوآصر، گل‌ها: کریس (۱۶) و جونیئو (۸۶) برای لیون.

رده‌بندی: ۱– لیون ۵بازی ۱۳ امتیاز ۲– لیل ۵بازی ۱۰ امتیاز ۳– مارسی ۴بازی ۱۰ امتیاز ۴– سن-اتین ۵بازی ۱۰ امتیاز ۵– نانسی ۴بازی ۹ امتیاز ۶– بوردو ۵بازی ۹ امتیاز

رده‌بندی تیم‌هابدون در نظر گرفتن نتایج بازی‌های دیروز تنظیم شده است.

گفت وگو

گفت وگو با ریس: رویایم به حقیقت پیوست

اوسیو رودریگس

ترجمه: **سید محمد حسینی**

جدیدترین بازیکن رئال سفیدپوش، در گفت‌وگو با شیک کادناسر، از انتقال خود



به مادرید می‌گوید.
■ **همه ما به نوعی در این چند ساعت اخیر در مسئله انتقال شما دخیل بوده‌ایم. به من موضوع فاکس را گفتند و اینکه همه چیز در آخرین لحظه اتفاق افتاد، اما**

من در خواب بودم و هیچی نشنیدم و خیلی هم خوب شد که خواب بودم وگرنه می‌مردم (باخنده). برایم گفتند که یک دیوانگینی محض بوده، می‌مدل بی عقلی کامل که آخر هم به سرانجام نرسید. اما جای شکرش باقی است که همه چیز ختم به خیر شد.

■ **برایمان بگویید این ساعات آخری برایتان چگونه گذشت؟**

روز سختی بود و من با بی‌صبری دائماً گوشی تلفن را در دست داشتم. وقتی همه چیز تمام شد نفس راحتی کشیدم، حالا می‌خواهم نشان دهم تیر رئال مادرید با خریدن من به خط نرفته است.

■ **حالا خیلی آرامید.**

بله، رویاهایم به واقعیت مبدل شدند، بعد از ماه‌ها که درگیر این قضیه بودم حالا خوشبخت و راحتم. فقط باید از همه چیز لذت ببرم.

■ **پیش روی شما مادریدی هست که بازیکنانش با بازی خارق‌العاده خود به آن قدرت بتن‌آرئه داده‌اند و کاپلو از این بازیکنان به نام معماران رویاها (واقعیت‌دهندگان به رویا)ید می‌کند.**

مادرید همه چیز دارد، به خصوص کیفیت کار، هیچ بی‌کیفیتی در رئال نیست. همه جور بازیکنانی هستند و این برای تیم مفید است.

■ **و همان فکری بود که ذهن شما را دو هفته مشغول به خود کرده بود.**

نه، هفته دو، قبل از آن، ماه‌ها با این خیال خوش بودم (می‌خندد)، اما فکر می‌کنم همه چیز را در آخر، سرانجامی است.

■ **فکر می‌کنید ممکن است آتلتیکو از دست شما عصبانی باشد؟**

معتقد نیابید این‌طور باشد، این مسائل مربوط به باشگاه‌ها هستند، تصمیم‌گیری در حوزه صلاحیت آنها است. صادقانه بگویم، من باید از آتلتیکو بابت تمام آنچه به خاطر من متحمل شده‌اند تشکر کنم.

■ **اما با آنها توافقنامه‌ای را به امضا رسانده بودید؟ نه، هیچ چیزی نبود، در مورد این مسئله خیلی حرف می‌زدند، اما حقیقت این است که چیزی امضا نشده بود. حتی صحبت از مبلغ قرارداد نیز به میان آمد.**

خیر، هیچ صحبتی از آن هم نشده بود. حقیقتاً هیچ چیزی در میان نبود.

■ **بعد از فصل گذشته که کمتر از شما چیزی شنیده شد، دوست دارید در رئال بمانید؟**

واضح است که دوست دارم بمانم، ولی حالا باید آرام باشم و خوب بازی کنم.

■ **شماره ۱۹ را دوست دارید؟**

از این شماره خوشم می‌آید ولی این مهمترین مسئله نیست.

منبع: AS